

لا إله إلا الله



دانشگاه خوارزمی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه جهت اخذ دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بررسی جلوه‌های غنایی اسکندرنامه نظامی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر سید مرتضی میرهاشمی

استاد مشاور:

سرکار خانم دکتر عصمت خوئینی

دانشجو:

نگین نیرانی

مهر ۱۳۹۲

تقدیر و تشکر :

در ابتدا از خداوند مهربان که پیوسته بزرگترین یار و یاورم در زندگی بوده است و پدر و مادر عزیزم که در دوران تحصیل مشوق من بوده‌اند سپاسگزارم.

از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر مرتضی میرهاشمی که با راهنمایی‌های خود مرا در نگارش این پایان‌نامه یاری کردند و در تمامی این مسیر لطف فراوانشان را از من دریغ نداشتند، همچنین از سرکار خانم دکتر عصمت خوئینی که زحمت مشاوره را بر عهده گرفتند و مرا از نظرات سودمندشان بهره‌مند کردند، بسیار سپاسگزارم.

در پایان از دوست عزیزم نسرین صدری که در ویرایش متن پایان‌نامه مرا یاری کرده است قدردانی

می‌کنم.

چکیده :

اسکندرنامه نظامی یک منظومه داستانی از نوع حماسه تاریخی است. سراینده این داستان در پدیدآوردن این اثر به فردوسی نظر داشته، اما به اذعان خود شاعر از تکرار آنچه فردوسی پیشتر در باب اسکندر گفته پرهیز کرده و به مقوله‌هایی پرداخته است که تازگی دارد. اسکندرنامه نیز همچون هر اثر داستانی دیگر شامل حوادث و رویدادهای گوناگون و حضور شخصیت‌های مختلف است که بروز این حوادث و رفتار شخصیت‌های داستانی در موارد مختلف چه بسا زمینه را برای پرداختن به مقوله‌هایی که رنگ غنایی دارند برای شاعر فراهم ساخته است. اگرچه هر موضوع شعری زبان و تعبیر خاص خود را دارد و غالباً شاعران سعی می‌کنند به این نکته توجه داشته باشند، با این حال انس و الفت نظامی با داستان‌های بزمی و غنایی بر این اثر سایه افکنده است و حتی الفاظ و تعبیری که در توصیف صحنه‌های نبرد از آنها استفاده کرده است رنگ غنایی دارند. نویسنده این پایان‌نامه با توجه به تعریف رایجی که برای شعر غنایی شده است و آن را شعری دانسته‌اند که بیانگر احساسات و عواطف شخصی و حقیقی شاعر است، کوشیده است تا با ارائه شواهد مختلف به این جنبه‌های غنایی در اسکندرنامه بپردازد و علاوه بر آن آنچه به طور خاص در ادب غنایی مطرح است و شامل داستان‌های عاشقانه می‌شود در این تحقیق از نظر دور نمانده است.

کلید واژگان : اسکندرنامه، نظامی، غنایی، حماسی، شعر، داستان.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار.....
۳	بخش اول : کلیات تحقیق
۴	بیان مسأله.....
۴	الف- سؤالات پژوهش.....
۴	ب- فرضیات پژوهش.....
۴	ج- اهداف پژوهش.....
۵	شرح احوال نظامی گنجه‌ای.....
۶	شعر نظامی.....
۷	آثار نظامی.....
۹	اسکندرنامه.....
۱۲	خلاصه داستان اسکندر بر اساس روایت نظامی.....
۱۶	بخش دوم: بررسی موضوعات غنایی در اسکندرنامه نظامی
۱۷	سخنی پیرامون شعر و منشأ آن.....
۱۹	اقسام شعر.....
۱۹	شعر تعلیمی.....
۱۹	شعر حماسی.....
۲۱	شعر غنایی.....
۲۲	سابقه شعر غنایی.....
۲۳	اقسام شعر غنایی.....
۲۳	مدیحه.....

۲۸	مرثیه
۳۲	وصف
۳۶	مناجات
۳۸	هجویه
۴۱	شکوی
۴۴	حسب حال
۴۷	تغزل
۴۹	ساقی نامه
۵۲	خلاصه داستان‌های بزمی و غنایی در اسکندرنامه
۵۲	داستان عاشق شدن بلیناس بر آذرهمایون
۵۳	داستان خواستگاری کردن اسکندر از روشنگ
۵۴	داستان نوشابه پادشاه بردع
۵۷	داستان بزم اسکندر با نوشابه
۵۷	داستان ترتیب دادن مهمانی خاقان چین برای اسکندر
۵۸	داستان اسکندر و لعبتان دشت قفچاق
۵۹	داستان رهایی یافتن نوشابه
۵۹	داستان نشاط کردن اسکندر با کنیزک چینی
۶۰	افسانه ارشمیدس و کنیزک چینی
۶۱	وصیت اسکندر در واپسین روزهای زندگی
۶۱	جنبه های غنایی اسکندرنامه
۶۱	مدح
۶۲	ستایش پروردگار

۶۵	مدح و منقبت پیامبر(ص).....
۶۸	مدح ممدوح.....
۷۴	وصف.....
۷۵	وصف محافل بزم.....
۷۸	وصف زیارویان.....
۸۲	وصف طبیعت.....
۸۲	وصف تابستان.....
۸۳	وصف خزان.....
۸۵	وصف زمستان.....
۸۶	وصف روز و شب.....
۸۸	ساقی نامه و مغنی نامه.....
۱۰۰	دعا.....
۱۰۶	مناجات.....
۱۰۹	سوگند.....
۱۱۲	آرزو.....
۱۱۶	امید.....
۱۱۸	شادی و نشاط.....
۱۲۲	رثا.....
۱۲۴	حسب حال.....
۱۲۷	شکوی.....
۱۳۰	حسرت.....
۱۳۳	بخش سوم: بحثی پیرامون تصویرسازی شاعرانه و آرایش سخن در اسکندرنامه.....

۱۳۴	بحثی پیرامون تصویرسازی شاعرانه و آرایش سخن در اسکندرنامه.....
۱۳۴	صور خیال چیست؟.....
۱۴۷	نقش اصوات در القای معنا.....
۱۴۹	بخش چهارم: نتیجه‌گیری.....
۱۵۰	نتیجه‌گیری.....
۱۵۴	پی نوشت ها.....
۱۶۱	منابع.....

پیشگفتار :

موضوع اصلی این پژوهش بررسی جنبه‌های غنایی اسکندرنامه است. با توجه به اینکه این اثر یک حماسه تاریخی است و نظامی در سرودن منظومه‌های عاشقانه مهارت دارد، از برخی موضوعات غنایی مانند حسرت، آرزو، شکوی، مدح، رثا و... در این اثر استفاده کرده است. بیان چنین موضوعاتی از عواطف و احساسات شاعر ناشی می‌شود و از لحن حماسی اثر می‌کاهد.

در این پژوهش پیش از پرداختن به موضوع اصلی، سخنی در باب شرح احوال نظامی آورده و در این میان از سبک شعری و آثار نظامی و ویژگی‌های آنها بحث شده است. در معرفی آثار این شاعر، درباره اسکندرنامه او بیشتر سخن به میان آمده است و هنگام معرفی اسکندرنامه نظامی لازم دانسته شده تا از اسکندر و شخصیت تاریخی و مذهبی او یاد کرده شود.

از آنجایی که پژوهش درباره اسکندرنامه نظامی است خلاصه‌ای از شرح احوال اسکندر از کودکی تا مرگ بر اساس روایت نظامی آورده شده است.

در بخش دوم برای ورود به مبحث بررسی موضوعات غنایی اسکندرنامه ابتدا مقدماتی درباره شعر و اقسام آن و به‌ویژه شعر غنایی آورده شده است. در ادامه اقسام شعر غنایی از جمله مدح، رثا، وصف، هجو و... تعریف شده و برای درک بهتر این موضوعات شواهدی از دیوان شاعران مختلف و از جمله نظامی آورده شده است.

همانطور که قبلاً اشاره شد، بررسی جنبه‌های غنایی اسکندرنامه موضوع اصلی این پژوهش است، بنابراین داستان‌های غنایی و بزمی این اثر استخراج شده و خلاصه‌ای از هر کدام از آنها ارائه شده است.

بدیهی است که نگارنده قسمت اصلی این رساله را به ذکر زمینه‌های غنایی اسکندرنامه و شواهدی از این اثر اختصاص داده است.

در بخش پایانی پیرامون صور خیال در اسکندرنامه بحثی مختصر شده است. نظامی گاهی در توصیفات حماسی زبان لطیف و نرم غنایی را استفاده کرده و از آرایه‌های استعاره و تشبیه، فراوان بهره برده است. در پایان نگارنده به نقل این توصیفات پرداخته و ناسازگاری زبان شاعر در این بخش‌ها با مفهوم سخن را شرح داده است.

بخش اول:
کلیات تحقیق

بیان مسأله:

الف- سؤالات پژوهش

۱. مهم‌ترین جلوه‌های غنایی اسکندرنامه کدامند؟
۲. ارزش غنایی اسکندرنامه که یک اثر حماسی خوانده می‌شود چه میزان است؟
۳. زبان شاعر در طرح مقوله‌های غنایی در این منظومه تا چه اندازه با موضوع مرتبط است؟

ب- فرضیات پژوهش

۱. در اسکندرنامه با مقوله‌های مختلف از نوع غنایی همچون عشق، اندوه، شادی، حسرت و ... روبرو می‌شویم.

۲. صبغه غنایی در اسکندرنامه در مجموع برجسته است.

۳. در این منظومه تأثیر ذهنیت غنایی نظامی در زبان، صور خیال و عاطفه پدیدار است.

ج- اهداف پژوهش

اهداف این پژوهش رسیدن به این معنا است که :

۱. نظامی در اسکندرنامه به جنبه‌های مختلف غنایی چون عشق، شکوی، حسب حال، آرزو، حسرت و ... نظر داشته است.

۲. این امر علاوه بر اینکه به این اثر رنگ غنایی می‌بخشد، زبان او را نیز تحت تأثیر قرار داده، به طوری

که می‌توان مدعی شد تعبیر و صور خیال شاعر هم بیشتر رنگ منظومه‌های غنایی را دارد تا حماسی.

۳. رسیدن به این معنا که تا چه اندازه این اثر ویژگی‌های یک اثر حماسی را داراست.

شرح احوال نظامی گنجه‌ای

نظام الدین ابومحمد الیاس بن یوسف معروف به نظامی از شاعران مشهور قرن ششم است که بر اساس روایات گوناگون ظاهراً بین سال‌های ۵۳۳ تا ۵۴۰ در شهر گنجه به دنیا آمده و در سال‌های ۵۹۶ تا ۵۹۹ از دنیا رفته است. بعضی تذکره‌پردازان متأخر او را به قهستان شهر قم منسوب می‌کنند، اما در آثار نظامی دلیلی برای این مدعا وجود ندارد.^۱

پدر نظامی یوسف نام داشت و مادرش رئیسه کرد که در لیلی و مجنون از او یاد شده است. همسر اوّل نظامی آفاق نام داشت که وی و دو زن دیگر نظامی هر سه پیش از او از دنیا رفته‌اند. شاعر در آثار خود بیش از همه از فرزندش محمد سخن گفته است. بعضی صاحب‌نظران شاعری مشهور به نام قوامی مطرزی را برادر نظامی دانسته‌اند. به هر حال روشن است که خانواده نظامی در گنجه اهل فضل و هنر بوده و از امتیازات اجتماعی بهره‌مند بوده‌اند.^۲

گنجه در عصر نظامی بخشی از خاک ایران بوده و زبان رسمی مردم آن پارسی بوده است و مردم گنجه و اران به گویش ارانی سخن می‌گفتند که گونه‌ای از زبان پهلوی است. از اطلاعات موجود درباره خانان نظامی می‌توان دریافت که زبان مادر نظامی کردی و زبان پدر او گویش ارانی بوده است و خود وی برای تحصیل و کتابت از زبان فارسی و برای صحبت و محاوره از زبان کردی یا ارانی بهره می‌گرفته است.^۳

نظامی شاعر دوره سلجوقی است. شعرای این عهد از طبقات مورد احترام بودند. بسیاری از سلاطین سلجوقی خود به زبان فارسی یا عربی شعر می‌گفتند و با شاعران انس داشتند، مانند طغرل بن ارسلان که

از سلجوقیان عراق بود. امیران سلجوقی علاقه بسیاری به داشتن شعرای بزرگ در دربار خود داشتند، زیرا مدایح شاعران سبب شهرت آنها بود. شاعران این دوره نیز غالباً فاضل و اهل علم بودند و به انواع دانش‌ها آگاهی داشتند.

نظامی شاعری درباری نبود و اگر گاهی اشعارش را به پادشاهان تقدیم می‌کرد، مطابق رسم معمول بود. یکی از ممدوحان نظامی که بسیار دین‌پرور و پارسا بود و نظامی از او به عنوان پادشاهی نمونه یاد می‌کرد، ملک فخرالدین، پادشاه ارزنجان و پادشاهی دیگر به نام اخستان بن منوچهر، فرمانروای شروان بود که کنیزک زیبایی به نام آفاق را به او هدیه کرد.^۴

شعر نظامی

سبک شعر نظامی، سبک شاعران حوزه شمال غربی ایران یعنی منطقه اران و آذربایجان است. این جریان ادبی که بنیانگذار آن نظامی گنجوی است، سبک آذربایجانی یا ارانی نامیده می‌شود. اظهار فضل و اشاره به علوم مختلف، تلمیحات گوناگون به آداب و رسوم مسیحیت، اشاره به عقاید عامیانه و استفاده از انواع جناس، ایهام، تشبیه و استعاره از مختصات شعری این دوره است. سبک شعر نظامی به سبک خاقانی شباهت دارد، با این تفاوت که خاقانی قصیده‌پرداز و نظامی مثنوی‌سراست. از نکات بارز سبک نظامی توجه او به داستان‌پردازی و عواطف و احساسات انسانی و زبان تصویری اوست که در تشبیه، استعاره و کنایه به عرضه می‌گذارد.^۵

نظامی در ابداع ترکیبات خاص و معانی تازه، تصویر جزئیات و دقت و باریک‌بینی در وصف و به ویژه استفاده از تشبیهات و استعارات زیبا در بین شاعران هم‌عصر خود کم‌نظیر است. عیبی که تاکنون بر

کلام او گرفته شده است آن است که فراوانی صورخیال گاهی شکل یکنواختی به کلام او می‌دهد و ابداع ترکیبات تازه گاهی فهم سخن او را با مشکل روبرو می‌کند. می‌توان گفت که غالباً لطف و طراوت سخن نظامی، معایب کلام او را از نظر پنهان می‌کند. توجه نظامی به قالب مثنوی از ویژگی‌های دیگر اوست. مثنوی‌های نظامی عمدتاً با ستایش خدا و رسول، نیایش ممدوح و سبب نظم کتاب آغاز می‌شود و معمولاً با دعای ممدوح، شکایت از مدعیان و اهدای کتاب به پایان می‌رسد.^۶

آثار نظامی

از آثار نظامی نخست می‌توان به دیوانی به نام «دیوان قصاید و غزلیات نظامی» اشاره کرد که دولتشاه تعداد ابیات آن را ۲۰۰۰۰ بیت ذکر کرده است. این دیوان جز در اندکی از قطعات و غزلیات بر روایات قدیم و قابل اعتمادی مبتنی نیست، بنابراین نمی‌توان نظامی را شاعری قصیده‌سرا یا غزلسرا دانست. همان گونه که می‌دانیم نظامی به داستان‌سرایی و مهارت در سرودن مثنوی شهرت دارد و برجسته‌ترین اثر او پنج مثنوی است که به پنج گنج یا خمسه نظامی معروف است.^۷

نخستین مثنوی نظامی مخزن‌الاسرار است که نظامی آن را در دوره انزوا و عزلت خویش نوشت، زیرا وی در جوانی و پیش از چهل‌سالگی به علت علاقه به مطالعه و تفکر به انزوا روی آورده بود. مخزن‌الاسرار وی شامل ۲۲۶۰ بیت در بحر سریع است که شاعر آن را در سال ۵۷۰ هجری به نام فخرالدین بهرامشاه بن داوود، پادشاه ارزنگان، سروده است. مخزن‌الاسرار شعری اخلاقی و فلسفی و منظومه‌ای کوتاه و زهدآمیز به شیوه حدیقه سنایی است که شامل بیست مقاله در وعظ و تحقیق و مواعظ و حکم

است. نظامی در این اثر در جستجوی یک مدینه فاضله بوده و در پی آن است که بر آنچه ناظران زهد و شرع به نام آن در جامعه عصر انجام می دهند اعتراض کند.

دومین منظومه نظامی خسرو و شیرین است که ۶۵۰۰ بیت در بحر هزج دارد و بین سال‌های ۵۶۸ تا ۵۸۱ سروده شده است. شاعر این داستان را به اتابک شمس‌الدین محمد جهان‌پهلوان بن ایلدگز تقدیم کرده است. قصه خسرو و شیرین از خوشبختی و اندوه زنی جوان به نام آفاق الهام گرفته است. نظامی طرح داستان را به نام طغرل بن ارسلان، آخرین سلطان سلجوقی عراق، ریخت، زیرا عشرت‌طلبی او شاعر را به یاد خسرو پرویز می‌انداخت و شیرین ملکه ارمنستان هم خاطره عشق آفاق از دنیا رفته را برای او زنده می‌کرد. این داستان از روزگاران پیشین وجود داشته و بعد از قرن چهارم تا دوره نظامی تغییراتی در آن راه یافته و بدین گونه که در خسرو و شیرین می‌بینیم به نظامی رسیده است.

نظامی سومین مثنوی خود، لیلی و مجنون را در ۴۷۰۰ بیت در سال ۵۸۴ به رشته نظم کشید. شروانشاه ابوالمظفر آخستان بن منوچهر طی نامه‌ای از او خواسته بود تا چنین اثری بیافریند. نظامی که در آن زمان حدود پنجاه سال داشت، ابتدا در پذیرفتن درخواست شاه تردید داشت، اما به اصرار پسرش محمد نظم لیلی و مجنون را آغاز کرد و پس از چهار ماه آن را به اتمام رسانید. داستان لیلی و مجنون داستان عشق مجنون عامری با دختری به نام لیلی از قبیله بنی سعد است که پایان نافرجامی دارد و به وصال یکدیگر نمی‌رسند و هر دو از دنیا می‌روند. لیلی و مجنون از داستان‌های عرب و برگرفته از فرهنگ عامه است و نظامی آن را ابداع نکرده است و هنگام نظم آن تصرفاتی در داستان کرده است.

نظامی بهرامنامه یا هفت‌پیکر یا هفت‌گنبد را در ۵۱۳۶ بیت سرود و در سال ۵۹۳ هجری به علاءالدین کرپارسلان تقدیم کرد. این مثنوی قصه بهرام‌گور، پادشاه آرمانی ساسانی است که به شادخواری و عشرت‌طلبی و جنگ‌بارگی مشهور است و نظامی نیز این داستان را برای پیشکش کردن به پادشاه جنگ‌دوستی چون علاءالدین کرپارسلان مناسب دانست. این قصه از داستان‌های مشهور ساسانی است که شاعر آن را به شیوه قصه‌درقصه به نظم درآورده است. نظامی در این مثنوی ابتدا سرگذشت بهرام را از کودکی تا رسیدن به سلطنت می‌آورد، سپس داستان او را با هفت دختر از پادشاهان هفت اقلیم ذکر می‌کند که برای هر یک از آنها گنبدی ساخته بود و در هر روز هفته نزد یکی از دخترها مهمان بود و قصه‌ای از آن‌ها می‌شنید. بعد از آن بی‌سامانی کار ملک را به خاطر غفلت بهرام شرح می‌دهد و داستان تا جایی ادامه می‌یابد که بهرام به دنبال گور بغاری رفت و بازنگشت.^۸

اسکندرنامه

پنجمین مثنوی نظامی از پنج‌گنج او اسکندرنامه است که ۱۰۵۰۰ بیت دارد و حاوی دو بخش است. بخش نخستین آن شرفنامه و بخش دوم آن اقبالنامه نامیده می‌شود. شرفنامه که شاعر آن را به نام اتابک اعظم نصره‌الدین ابوبکر بن محمد جهان‌پهلوان از اتابکان آذربایجان درآورد، داستان اسکندر از تولد تا کشورگشایی‌های او و بازگشتن به روم است که در این بخش آنچه فردوسی از داستان اسکندر ناتمام گذاشته بود به نظم در آورده است. اقبالنامه که در بعضی نسخه‌ها به نام ملک‌القاهر عزالدین ابوالفتح مسعود پسر نورالدین ارسلان درآمده است، ادامه حیات اسکندر است که با فیلسوفان و حکیمان هم‌نشین می‌شود و به مرتبه حکیمی و سپس پیغمبری می‌رسد. تاریخ اتمام اسکندرنامه سال ۵۹۹ است که به نظر می‌رسد

این تاریخ به زمان واقعی اتمام آن نزدیک باشد، زیرا ابیات الحاقی پیرامون مرگ نظامی نشان می‌دهد که او مدتی بعد از ختم اسکندرنامه از دنیا رفته است.^۹

پیش از اسکندرنامه نظامی، اسکندرنامه‌هایی در قرن پنجم در ایران نوشته شده بود که نظامی در نوشتن اسکندرنامه خویش از مآخذی در باب داستان اسکندر و از اسکندرنامه‌ها با نقل اشتباهات تاریخی آن‌ها استفاده کرد. وی علاوه بر مآخذ فارسی از مآخذ عربی، یهودی و نصرانی نیز درباره اسکندر بهره برد، اما در استفاده از این نسخ آنچه برایش خوشایند بود آورده است. وی در تألیف اسکندرنامه در پی تقلید از فردوسی نبود و نتوانست با او برابری کند، زیرا سخن نظامی سادگی و روانی سخن فردوسی را ندارد. کسانی پس از نظامی به تقلید از او اسکندرنامه ساختند که نخستین ایشان امیرخسرو دهلوی بود که "آیینة اسکندری" را به نام علاءالدین محمدشاه از سلاطین هند در سال ۶۹۹ به نظم درآورد. سپس نورالدین عبدالرحمن جامی به تقلید از نظامی به نظم قسمتی از داستان اسکندر پرداخت و "خردنامه اسکندری" را پیش از ۸۹۵ سرود و پس از ۸۹۹ به پایان رسانید و پس از او بدرالدین عبدالسلام بن ابراهیم الحسینی کشمیری از شاعران قرن دهم هندوستان کتابی به نام «قصه ذوالقرنین» را نوشته است و آن را به نام ابوالغازی عبدالله بهادرخان دوم، پادشاه ازبک درآورد است.^{۱۰}

شاعر در آغاز شرفنامه از شبی سخن می‌گوید که غرق تفکر شده و ناگهان به خواب رفته است و در خواب باغ نیکویی را مشاهده کرده که از آن رطب چیده و هر کس را که دیده به او رطبی داده است. هنگام صبح سرگران از اندیشه از خواب بیدار می‌شود و تصمیم به نظم شرفنامه می‌گیرد، به امید آن که دیگران را از میوه سخن خود بهره‌مند کند.^{۱۱}

داستان اصلی مثنوی اسکندرنامه پیرامون اسکندر است. نام اصلی این پادشاه الکساندر، نام پدرش فیلیپ و نام مادرش المپاس است. از لحاظ تاریخی او در میان پادشاهان مقدونیه به اسکندر سوم شهرت دارد که در بیست سالگی به جای پدر بر تخت نشست. در اوستا نامی از اسکندر برده نشده است، اما در کتب پهلوی نامش را به زشتی یاد کرده‌اند و صفت ملعون با نام او همراه است، زیرا برافکننده شاهنشاهان ایران و سوزاننده قصر پادشاهان هخامنشی است. در شاهنامه اسکندر مردی اصیل و از نژاد کیان است. مردی با دانش و شجاعت که به فتوحات عظیمی رسیده است. اما درباره سیمای اسکندر در کتب اسلامی می‌توان گفت که از آنجا که نام این پادشاه در اصل الکساندر بوده است، مورخین اسلامی الف و لام ابتدای آن را عربی دانسته و آن را «الاسکندر» نوشته‌اند و پارسی زبانان برای سهولت تلفظ الف و لام را حذف کردند و آن را به صورت اسکندر درآوردند. نظامی چهره اسکندر را در اسکندرنامه به عنوان اسکندر مقدونی تاریخ تصویر نکرد، بلکه سیمای او را با یک حکیم حاکم و یک ذوالقرنین قرآنی ترکیب کرد. در شرفنامه اسکندر در نقش فرمانروا و در اقبالنامه فیلسوفی حاکم و پیامبری دعوتگر است. اسکندر نظامی جهانجوی تاریخ نیست، بلکه جهانگیری جوانمرد است که برای حفظ حیثیت خود تلاش می‌کند و ستم‌دیدگان و تحقیرشدگان را یاری میکند.^{۱۲}

درباره آنکه اسکندر مقدونی را ذوالقرنین خوانده‌اند اقوال مختلفی وجود دارد. «کلمه قرن به معنای شاخ و ذوالقرنین به معنای صاحب دو شاخ است. قرن معانی مجازی مختلفی نیز دارد. گاهی نشانه قوت، جلال، عزت و اقتدار است؛ زمانی به معنای قهر، غلبه، ظفر و جایی به معنای کشور و مملکت. در بعضی از کتب اسلامی (قرن) را نشانه پادشاهی و معجزه پیامبری نیز دانسته‌اند.» (صفوی، ۱۳۶۴: ۲۹۷ و ۲۹۸)

سه قول در این باره اظهار شده است: گروهی او را ذوالقرنین گفته‌اند، زیرا دو گیسو داشت و آن‌ها را می‌بافت و به پشت می‌انداخت، گفته‌ی گروه دیگر آن است که او در خواب دید که دو قرن فلک را از خورشید گرفته است و عده‌ای دیگر می‌گویند که او دو قرن زندگی کرد. ابومعشر در کتاب «الوف» نظر دیگری داشته است، به گفته‌ی او بعد از مرگ اسکندر یونانیان به جهت علاقه‌ی خود به او، تصویرش را بر کاغذ کشیدند و بر دو طرف سر او دو فرشته نقش کردند و هنگامی که عرب‌ها دو فرشته را که بر طرف راست و چپ سر اسکندر بود دیدند آن را دو زائده تصور کردند و به اسکندر ذوالقرنین یعنی صاحب دو شاخ لقب دادند.^{۱۳}

خلاصه‌ی داستان اسکندر بر اساس روایت نظامی

اسکندر در یونان زمین متولد شد. فیلقوس، پادشاه مقدونی و پدر اسکندر از همان دوران کودکی تربیت فرزند را به نوماجس حکیم، پدر ارسطو سپرد، بدین ترتیب بین اسکندر و ارسطو پیوند دوستی ایجاد شد، چنانچه وقتی اسکندر به جای پدرش بر تخت نشست، ارسطو را به وزیری خویش برگزید. هم‌زمان با آغاز سلطنت اسکندر زنگیان به مصر حمله کردند، مصریان نزد شاه روم آمدند و از او یاری خواستند. اسکندر پس از مشورت با ارسطو به مصر رفت و با زنگیان جنگید و آن‌ها را شکست داد.

وی پس از بازگشت از نبرد، غنیمت‌هایی با خود به مصر آورد و از آن غنیمت‌ها ارمغان‌هایی به پادشاهان اطراف فرستاد، اما دارا از آنچه اسکندر فرستاده بود خرسند نشد و چندی بعد فرستاده‌ای برای